

از لابلای یادداشت‌ها و نیشتهای روزمره ام

## اندر باب چگونگی اوضاع اجتماعی - سیاسی کشور معضل حل و فصل وضعیت در داخل و گرد و نواح میهن چگونگی بررسی قضایا از منظر واقعیت‌های تاریخی

اگر گویم زبان سوزد، اگر پنهان نمایم در سینه، مغز استخوان سوزد  
آیا استبداد بمثابه یک واقعیت سیاسی جدید پنداشته می‌شود؟  
آیا زمان تأمین صلح سراسری در کشور فرا خواهد رسید؟  
تسلیم تحقیر آمیز - واقعیت‌گریز ناپذیر و رنج‌بار

قوت هر ارزیابی وضعیت اجتماعی - سیاسی در توانایی آن بمنظور به چنگ آوردن جنبه‌های خاص موجود در محل مورد بحث نهفته می‌باشد. هر محیط اجتماعی، منحصر بفرد می‌باشد و این مستلزم آنست که نخست وقبل از همه، داده‌های اساسی و اطلاعات و روایت‌هایی که ماهیت آنرا شکل داده و آنرا تعریف می‌نمایند، جمع‌آوری گردد. هر تحلیلی از وضعیت گفته آمده، نقطه آغازیست برای درک عینی از کیفیت دموکراسی، چون این کمک می‌نماید تا چشم اندازی را در قبال بررسی‌های آغاز شده گشوده و بمثابه آگاهی بخش تفسیر یافته‌های ارزیابی گردد. از اینرو، نقش بنیادی هر روند ارزیابی وضعیت و چگونگی اوضاع اجتماعی - سیاسی و بستر تحلیل و بررسی وضعیت جامعه را ایفا نموده و بارزایی‌کننده این فرصت را مساعد می‌نماید تا مسیر تاریخی و روند سیر حوادث قضایا و اتفاقات را بهتر درک نمایند.

موضوع و مسأله مورد بحث را با توضیح این واقعیت آغاز می‌نمایم که ریشه بحران اجتماعی - اقتصادی و سیاسی کشور ما از اواسط دهه سده ۲۰ آب خورده که با بقدرت رسیدن نیروهای چپ در کشور، ابعاد تازه‌ای کسب نمود. غرب بمثابه یک مجموعه بهم پیوسته که بگونه تب‌آلودی اوضاع کشور ما را تحت نظر داشت، آغاز تغییرات و تحولات یاد شده را بمثابه تحولات "کمونیستی" مورد توجه قرار داده و آنرا مقدمات تأثیرگذاری و نفوذ در کشورهای مشرق زمین و قبل از همه، تأثیرگذاری و مؤثریت آنرا در کشورهای محافظه‌کار عربی و حاکمیت‌های اسلامی پنداشته و آنرا معادل و مترادف با تهدید ارزش‌ها و تأثیرگذاری بر مقدسات غیر قابل تقسیم در منطقه وسیعی از قاره آسیا محسوب نمود. تحت لوای مبارزه با خطر "سرخ" و دفاع از "اسلام"، مداخله‌های گسترده‌ای در مسایل داخلی بسیاری از کشورها آغاز گردید. از جمله، کشور عزیز ما افغانستان نیز در نتیجه فعالیتها و عملکردهای یاد شده، در دریای خونریزی، ویرانی و کشتار تاکنون دست و پا می‌زند. با در دستور کار قرار گرفتن "مسأله افغانستان" در کنفرانس‌ها و نشست‌ها و گردهمایی‌های بین‌المللی، جامعه جهانی مثابه یک گل و کلیه نیروهای که بگونه مستقیم و یا غیر مستقیم با درگیری‌های کشور ما گره خورده بودند، بلافاصله درگیر حل و فصل مسأله یاد شده گردیدند. در مورد متذکره، بر علاوه قوت‌ها و گروه‌های مسلح مخالف دولت، ایالات متحده، عربستان سعودی و تقریباً تمامی دولت‌های شاهی کشورهای عربی منطقه خلیج، مصر، ایران، پاکستان، چین، کشورهای اورو-آسیا، جاپان و غیره نیز در این مورد بگونه‌ای دخیل گردیدند. در واقعیت امر اما رویکرد آنها در مورد حل و فصل قضایای کشور ما بگونه‌ای یکسانی نبوده و در بسیاری از جهت‌ها با هم همخوانی نداشت. عده‌ای از کشورها و تعدادی از دولت‌ها و حاکمیت‌های سیاسی بدنبال دستیابی با اهداف خود خواهانه و بلند پروازانه ژئوپولیتیکی و ایدئولوژیکی خویش به ندادن درگیری‌های مسلحانه در کشور ما دل بستند.

نباید فراموش خاطر ما گردد که در شرایط کنونی کشور، بویژه زمانی که به چگونگی سیر پروسه ملاقات و گفتگوهای میان افغانی در دوحه نظر اندازیم، نمی‌توان با خاطر راحت و آرامی بسربرد، چه، در مورد صلح و جنگ در

دوحه تصمیم گرفته می شود. مایک پامپیو پس از یک سخنرانی بیهوده، با رؤسای هیأت های نمایندگی دولت و "طالب" ها بگونه جداگانه نیز ملاقات نموده و گفتگوهایی را انجام داد.

پس از آنکه مایک پامپیو با عبدالغنی برادر یکجا و شانه بشانه همدیگر در مقابل دوربین های عکاسی قرار گرفتند، وزیر دفاع پیشین پاکستان در تویترش نوشت که "آنها در موارد بسیاری از امکانات وسیعی برخوردار می باشند، اما ما خدا داریم. الله اکبر." ژورنالیست های کشور ما بلافاصله با استفاده از شبکه های اجتماعی واکنش نشان داده اظهار نمودند آیا بیانیه های اینچینی برای کشوری که برای مدت زمان چهار سال در اراضی متعلق به کشور عزیز ما افغانستان، تحت نام اعتقادات و شعار های دینی و مذهبی بازار خون و کشتن و بستن و ویرانی را براه انداختند، از اعتبار لازم برخوردار میباشد؟ زمانی که آنها با انجام اقدامات نظامی و اجرای عملیات انتحاری، نمازگزاران را بقتل رسانیده و اطفال بیگناه و نونهالان کشور را بمرگ محکوم می نمایند، نام آنها چه می گذارند؟ با صراحت لهجه باید اظهار نمود که درگیریهای اینچینی بویژه در شبکه های اجتماعی، بازگویی این واقعیت می باشد که هیچگاهی در کشور عزیز ما افغانستان صلح شیطانی پا نخواهد گرفت. اما در این مقطع پرسشی مطرح می گردد که آیا می توان به نتایج مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی در دوحه دل بست؟

در کشور عزیز ما افغانستان، بویژه نظامیان مربوط به قوای مسلح کشور، کارکنان و فعالان اجتماعی، زنان، فعالان بخشهای آموزشی و تعلیم و تربیه، خبرنگاران، نماینده های اقلیت های مذهبی و نژادی و عده بیشمار همشهریان عزیز کشور با دلهره منتظر نتایج حاصله مذاکرات میان افغانی در دوحه می باشند. اینهمه در حالی بود که مایک پامپیو در دوحه همه را به تداوم مذاکرات یاد شده ترغیب و تشویق مینمود، اما "طالب" ها همچنان به حملات شان بر پایگاهها و مراکز نظامی و پستهای بازرسی افزایش بخشیده و در مناطق مختلف کشور صدای انفجار بمب ها و مین ها و تیراندازی سلاح های سبک بگوش می رسید.

قابل یاددانهایی پنداشته می شود که اینهمه با جنگ صلیبی آغاز شده ایالات متحده علیه تروریسم بین المللی طی ماه اکتبر سال ۲۰۰۱ در کشور ما، شکل گرفته و سلسله درگیری های مسلحانه تا کنون نیز از همشهریان کشور ما قربانی گرفته و با شدت هر چه تمامتر همچنان ادامه دارد.

زمانی که افغانستان تحت اداره و نظارت "طالب" ها قرار داشت، به بن لادن و همکارانش نیز پناه دادند. در مو قعیتی که "طالب" ها از تحویلی بن لادن با امریکایی ها ابا و ورزیدند، مؤقتیت و پیروزی امریکایی ها بیش از هر زمان دیگر محتمل بنظر می رسید. با اجرای عملیات "آزادی پایدار" توسط ایالات متحده، "طالب" ها از اراضی کشور ما فرار داده شده و با عجله در بن، بنیاد ایجاد دموکراسی و جمهوریت را برای کشور ما رقم زدند که مطابق آن افغانستان برای تمامی کشورهای منطقه که در آنها یا اصلن دموکراسی موجود نبوده و یا بگونه ناقصی از موجودیت دموکراسی سخن می گفتند، باید به مرکز جهت دهنده ای مبدل می گردید.

اما بنظر رسید که ایجاد و اعمار دموکراسی در افغانستان آنقدرها هم سهل و ساده نمی باشد. در امتداد دوره هفت ساله زمامداری جورج دبلیو بوش، اداره و اشنگتن در صدد ایجاد اساس و پایه گذاری بنیاد دموکراسی در کشور ما شد. آنها در این مورد نه با خوشبینی، بلکه بگونه قاطعانه با اقداماتی متوسل گردیده و اظهار نمودند این مهم نیست کاجرای اقدامات یاد شده چه مدت زمانی را در بر می گیرد، اما در عوض، ما به تودهای میلیونی افغانستان کمک نموده و یاری خواهیم رساند تا به پیروزی هایی در زمینه مورد نظر نایل گردند. همچنان آنها ادامه داده افزودند که برای نسل های آینده، اساسات دموکراسی را بنیاد می گذاریم.

بارک اوباما در انتهای تونل روشنی را می دید، اما اعتراف نمود که تونل یاد شده بسیار طولانی می باشد، چه بگفته بسیاری ها، انتخابات در افغانستان بمنظور اعمار آینده خوشبخت، گامی بجلو محسوب گردیده و مردم افغانستان را بمنظور اعمار دموکراسی در کشوریاری خواهد رساند.

انتخابات ریاست جمهوری در کشور بگونه کج دار و مریمی انجام پذیرفته و شمارش آرا نیز چندین ماه بطول انجا مید، اما پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری، اعضای کمیسیون انتخابات بدلیل تقلب در شمارش آرا، روانه زندان گردیدند.

در نتیجه انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، دونالد ترامپ که به عملگرایی شهره شده بود، در کاخ سپید بقدرت رسید. نامبرده در نخستین صحبت هایش اظهار نمود که واشنگتن بیشتر از این، نظامیان آنکشور را بمنظور اعمار دموکراسی نوع امریکایی و بازسازی به کشورهای دیگر نخواهد فرستاد. بدینگونه، فیصله بعمل آمد تا ساخت و ساز و اعمار دموکراسی در کشور ما متوقف گردد.

اما، بیانیه پسین مایک پامپو، بازگوی این واقعیت می باشد تا بگونه رسمی،سایت ساخت و ساز در کشور متوقف گردد. نامبرده ادامه داده افزود کامروز شاهد واقعه مهم درمورد مسأله افغانستان می باشیم وآن اینکه طرف های داخلی درگیری کشور بمنظور حل و فصل مشکلات شان بدورمیز مذاکره و گفتگو حاضر شده و خودشان معضلات موجود درکشورشان راحل و فصل خواهند نمود. این خود افغان ها می باشند که باید در مورد آینده سیاسی کشور شان تصمیم اتخاذ نموده و سیستم سیاسی دلخواه شان را تعیین و انتخاب نمایند. باید حقوق تمامی افغان ها در نظر گرفته شده و منافع همه شهروندان کشور تبلور یافته و در نتیجه به پیشرفت و تکامل اجتماعی نایل گردند. امید به آینده، در نوع خود، مسیری بعدی را مشخص و روشن خواهد نمود.

درمورد آنچه در عصری ترین هوشل دوحه می گذرد، به مشکل بتوان پیشینی نمود. "طالب" ها بمثابه پیروزمندا ن میدان های جنگ و نبردهای مسلحانه حاضر بحضور درمیز مذاکرات شده و درصدد آن گردیدند تا دوتن از افرا د شان را که زندانی شدن درگوانتانامو را در کارنامه های شان دارند، در جمع هیأت مذاکره کننده بگنجانند. در میان شرکت کنندهای مذاکرات، اسم حسن حقانی، برادر کوچکتریکی از جمله مهمترین قوماندان های "شبکه حقانی" نیز به چشم می خورد. نامبرده در کابل پس از گرفتاری در محکمه بمرگ محکوم گردیده اما پس از مدت زمانی، حکم اعدام نامبرده تخفیف حاصل نمود. رهایی نامبرده از زندان، نارضایتی امریکایی ها را ببار آورد. پرسشی باین شرح مطرح می گردد که آیا نمایندهای "طالب" ها و حامیان آنها در مذاکرات از اعتماد بنفس لازم برخوردار بودند؟ آنها نمی خواستند زنان را بدون حجاب تماشا نموده و بسؤال های آنها نیز پاسخی نمی دادند، چه آنها را بمثابه نمایندهای دولت طرفدار ایالات متحده در افغانستان می پنداشتند.

نمایندهای "طالب" ها در قبال پرسش های ناراحت کننده نیز پاسخ هایی ارائه می نمودند. "طالب" ها تأکید بعمل آوردند که در مورد حقوق زنان، آنها این حقوق را صرف در چهارچوکات شریعت قبولدار می باشند. اما در مجموعه هیأت نمایندگی "طالب" ها در مذاکرات، هیچ زنی عضویت نداشته، هیچ نماینده ای از اقلیت های قومی و مذهبی نیز در آن به چشم نمی خورد. در اینمورد پرسشی مطرح می گردد که چرا چنین بود؟ "طالب" ها، در مقابل، پاسخ می گویند کآنها در مجموع، شایسته ترین ها را برای شرکت و سهمگیری در انجام مذاکرات و گفتگوها انتخاب نمودند، نه برای نمایش. چنین وضعیتی، بگونه گلی ناامیدوارکننده بنظر می رسد. آیا زنان آزاد و مستقل افغان که در شرایط و وضعیت موجودیت و حضور فعال "طالب" ها بزرگ شده و بالغ گردیدند، از عدم شرکت و سهمگیری در چنین مذاکرات و گردهمایی اینچنینی احساس ناراحتی و رنجش خاطر نمی نمایند؟ از جانب دیگر، اخیرن پنتاگون، شرایط فرا خواندن نظامیان امریکایی از افغانستان را بر شمرد. مارک میلی، رئیس ستاد مشترک ایالات متحده، درمورد پیش نیازهای خروج نظامیان امریکایی از افغانستان نیز سخن گفت. در پنتاگون انتظار برده می شود که "طالب" ها باجرای بموقع توافق های قبلن حاصل شده در دوحه با اقدامات عملی متوسل گردند. مطابق اطلاعات داده شده توسط منابع خبررسانی، موضوع یادشده بتاریخ ۱۲ ماه اکتبر سالروان توسط مارک میلی اظهار گردید. مسأله متذکره، قبل از همه با کاهش تشنج و پیشرفت مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی ارتباط مستقیم دارد.

جنرال امریکایی همچنان اشاره نمود که اصل فراخواندن نظامیان کشورش از افغانستان، بگونه ای با کاهش و تخفیف سطح خشونت در افغانستان مرتبط بوده که در نتیجه، از جانب "طالب" ها درمورد یادشده، کاهش ناچیزی بمشاهده رسید. نامبرده ادامه داده افزود که کشورش درصدد آن می باشد تا بگونه " آگاهانه و مسؤلانه" به جنگ و درگیری های مسلحانه در افغانستان خاتمه بخشیده شده و نظامیان کشورش سرزمین افغانستان را ترک نمایند. طبعن، این بگونه ای خواهد بود که منافع ایالات متحده در افغانستان تأمین گردیده و هر گزاراضی مربوط به افغان ها علیه منافع حیاتی ایالات متحده مورد استفاده قرار داده نشود.

وی همچنان از فراخواندن ۱۲ هزارتن نظامیان امریکایی از افغانستان (به پیروی از توافق دوحه در ماه فبروری سالروان)، نیز خبر داده و ادامه داده افزود که خروج نظامیان کشورش از اراضی افغانستان، بگونه مستقیم با آغاز مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی و کاهش حملات و اقدامات مسلحانه "طالب" ها ارتباط دارد.

در نتیجه توافق و تعامل ماه فبروری سالروان میان امریکایی ها و "طالب" ها، تأکید بعمل آمد که خروج نظامیان امریکایی از افغانستان باید مطابق شرایط و با در نظر داشت وضعیت جنگی - سیاسی باید صورت عملی بخود اختیار نماید. قبل براین، پنتاگون، موجودیت تعداد ۴۵۰۰ تن از نظامیان آن کشور در افغانستان را بر نامه ریزی نموده بود، اما رابرت او براین مشاور دونالد ترامپ در امور امنیت ملی، یک هفته قبل اظهار نمود که در آغاز سال

جدید، نظامیان امریکایی در افغانستان به ۲۵۰۰ تن کاهش حاصل خواهند نمود. اما بزودی پس از این، دونالد ترامپ در تویترش نوشت که الی آغاز سال جدید، بتعداد ۴۵۰۰ تن از نظامیان آن کشور بایالات متحده فراخوانده می شوند.

وسایل اطلاعات جمعی در روزهای پسین از توافق نظامیان امریکایی و "طالب"ها در مورد کاهش انجام عملیات های جنگی خبر می دهند.

فرستاده ویژه وزارت امور خارجه ایالات متحده در تویترش یادآور شد که نظامیان امریکایی و "طالب"ها در مورد کاهش عملیات نظامی و جنگی در افغانستان به تفاهم نایل گردیدند. نامبرده اضافه نمود که جنرال سکات میلر، فرمانده قوت های نظامی ایالات متحده و ناتو در افغانستان، دید و بازدیدها و ملاقات هایی با برخی از نماینده های "طالب"ها انجام داد و این در حالی بود که وزارت داخله افغانستان اعلام نمود در امتداد دو هفته پسین، ۵۷۵ تهاجم مسلحانه و ۹۲ انفجار در کشور بوقوع پیوست.

نمایندگانی دولت و گماشته های "طالب"ها در مورد چگونگی آغاز و تداوم مذاکرات و گفتگوها به بحث های شان همچنان ادامه داده و درباره چگونگی سیر پروسه مصالحه نیز باهم به شور و بحث پرداختند. در اینجا یادآوری این مسأله در خور اهمیت پنداشته می شود که وسعت و ازدیاد گنش ها و اقدامات مسلحانه در کشور، بویژه طی هفته های پسین، به بهبودی اوضاع امنیتی کمک ننموده و وضعیت نظامی - سیاسی کشور را بیش از پیش مغلق و پیچیده نموده است کاین خود اسباب نگرانی و تشویش شهروندان کشور را ببار آورده است.

اما چنین تصویری گردد که در آینده های نزدیک، طرف های افغانی به توافقاتی نایل گردیده و مذاکرات اساسی را بمنظور قطع جنگ و دستیابی به مصالحه ملی مجدد آغاز خواهند نمود.

باید یادآور شد که تشدید فعالیت های مسلحانه و پیچیدگی اوضاع نظامی - سیاسی در کشور ما، موجبات نگرانی واضطراب دول کشور های همجوار افغانستان را نیز سبب گردیده است. دول یادشده اظهار امیدواری می نمایند که بزودی میان طرف های درگیر افغانی قضایای کشور، زمینه تفاهم و اجماع بمنظور آغاز و تداوم مؤفقاته مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی به هدف قطع جنگ و توقف خونریزی و تخفیف تنشج و در نهایت برای دستیابی به مصالحه ملی در کشور فراهم گردد.

از جانب دیگر، فرستاده ویژه ایالات متحده بمنظور بحث در مورد مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی به پاکستان سفر نموده و با محمد صدیق همکار پاکستانی اش در مورد یادشده بحث و گفتگو نمود. نامبرده طی یادداشتی در تویترش نوشت که در جریان شور و بحث در مورد مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی، تأکید بعمل آمد تا در مورد تداوم آتی مذاکرات و گفتگوهای یادشده همکاری همه جانبه بعمل آمده و مجموعه منطقوی و جامعه جهانی باید از پروسه آغاز شده حمایت و پشتیبانی همه جانبه ای بعمل آورند تا در نتیجه افغانستان و پاکستان به مرکز تجارت منطقوی مبدل گردند.

باید یادآور گردید که مدتی قبل، فرستاده ویژه ایالات متحده در امور کشور ما ضمن سفر به پاکستان، با قمر جاوید بجوا در حالی که سکات میلر فرمانده نظامیان ناتو در کشور ما نیز حضور داشت، در مورد مسایل مربوط به مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی بحث نمودند.